

به نام خداوندِ دانا و توانا

ایرانِ ما آباد و آزاد است .

ما ایرانی ها آزاد هستیم و کسی نمی تواند به خاکِ کشورِ ما دست درازی کند.

علی و رضا با محمد و صادق در کلاسِ اولِ درس می خوانند.

آنان به حرف های معلمِ خود خوب گوش می دهند !

آن ها می دانند که نباید در کلاس غایب شوند چون از درس عقب می افتند.

مهرگان دوستِ ژاله به همراهِ منیژه به بوستان رفتند و در آن جا ورزش و بازی کردند.

آن ها با پول هایِ خود مقداری خوراکی خریدند و با هم خوردند.

خیلی به آن ها خوش گذشت چون در کنارِ خانواده بودند!

مادرِ آن ها با هم غذاهای خوش مزه ای پختند و همه از خوردنِ آن لذت بردند.

پدرها هم با بچه ها فوتبال و والیبال بازی کردند .

روزِ خیلی خوب و شادی برای همه ی آن ها بود.

خدایا تورا سپاس و شکر می گویم که این همه نعمت را به ما بخشیدی !